



نقش فضای مجازی در تقویت قدرت ملی در پرتو نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه مقام معظم رهبری

محمد رضا محمودی، فاطمه حاجی زاده ۲

چکیده

در عصر ارتباطات شبکه‌ای، فضای مجازی از یک ابزار صرفاً فناورانه خارج شده و به کانون اصلی رقابت دولت‌ها برای تولید، حفظ و بسط «قدرت ملی» (به‌ویژه در ابعاد قدرت نرم) تبدیل شده است. مدیریت این عرصه پیچیده و سیال، نیازمند عبور از رویکردهای سنتی کنترل‌محور و اتخاذ الگوهای نوین سیاست‌گذاری نظیر «نظریه حکمرانی خوب» است. با توجه به تقابل گفتمانی جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل و قرارگیری در کانون جنگ‌های ترکیبی و شناختی، دستیابی به یک الگوی حکمرانی بومی و کارآمد بر مبنای اسناد بالادستی و دیدگاه‌های عالی‌ترین مقام سیاست‌گذار کشور، یک ضرورت حیاتی و راهبردی به شمار می‌رود. بر این اساس، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که: «حکمرانی فضای مجازی در پرتو نظریه حکمرانی خوب و دلالت‌های بیانات مقام معظم رهبری، چگونه به تقویت قدرت ملی و نرم جمهوری اسلامی ایران می‌انجامد؟» این پژوهش با رویکردی کیفی و به روش «توصیفی-تحلیلی» انجام پذیرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دکترین سایبری مقام معظم رهبری تطابق ساختاری و معناداری با شاخص‌های کلیدی حکمرانی خوب دارد. تأکیدات مستمر ایشان بر «کارایی و انسجام نهادی» (از طریق تأسیس شورای عالی فضای مجازی)، «حاکمیت قانون و عدالت» (تأمین امنیت روانی کاربران و حفظ حقوق عامه)، «استقلال و خودباوری دیجیتال» (تسریع در راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات) و «مشارکت مدنی» (فراخوان نخبگان و جوانان برای حضور تهاجمی و روشنگرانه در مقابله با جنگ شناختی)، نشان‌دهنده یک مدل حکمرانی ایجابی و پیشرو است. در نتیجه، پیاده‌سازی این مؤلفه‌ها نه تنها آسیب‌پذیری‌های امنیتی را کاهش می‌دهد، بلکه با جلب سرمایه اجتماعی و توسعه دیپلماسی عمومی، فضای مجازی را از یک تهدید بالقوه، به موتور محرک تولید قدرت نرم و ارتقای اقتدار ملی تبدیل می‌سازد.

واژه‌های کلیدی:

حکمرانی فضای مجازی، مقام معظم رهبری، حکمرانی خوب، قدرت ملی، قدرت نرم

۴۳

دوره ۱۵، شماره ۴، پیاپی ۴۳
زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳-۰۸-۲۰
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴-۱۲-۰۴
مصص: ۸۱-۶۵

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهش‌های سلامت گواهی‌دار
JOURNALS.MSRT.IR

۱. استادیار، گروه فرهنگ و رسانه دانشکده شهید محلاتی، قم، ایران (نویسنده مسئول) mrmahmudi@yahoo.com

۲. دانش آموخته دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران



مقدمه و بیان مسأله

در قرن بیست و یکم، با وقوع انقلاب دیجیتال و ظهور جامعه شبکه‌ای، مفهوم «قدرت» در روابط بین‌الملل دچار یک دگرگونی بنیادین شده است. در این گذار پارادایمی، اتکای انحصاری به قدرت سخت و نظامی جای خود را به «قدرت نرم» (Soft Power) داده است؛ مفهومی که جوزف نای آن را توانایی تأثیرگذاری بر دیگران و دستیابی به اهداف از طریق «جذابیت و اقتناع» به جای زور و اجبار تعریف می‌کند (Nye, 2004). امروزه، بستر اصلی تولید، بازتولید و اعمال این قدرت نرم، «فضای مجازی» است. فضای سایبر به عنوان یک جغرافیای جهانی و بدون مرز، انحصار دولت‌ها در جریان اطلاعات را شکسته و شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال را به خط مقدم تعاملات فرهنگی، هویتی و سیاسی تبدیل کرده است (Boyd & Ellison, 2007).

در چنین مختصات، صرف حضور در فضای مجازی برای تأمین منافع ملی کفایت نمی‌کند، بلکه چگونگی مدیریت این فضا تحت عنوان «حکمرانی فضای مجازی» (Cyber Governance) به متغیری تعیین‌کننده بدل شده است. حکمرانی فضای مجازی به مجموعه سیاست‌ها، قوانین، نهادها و سازوکارهایی اشاره دارد که دولت‌ها برای تنظیم‌گری محیط دیجیتال به کار می‌گیرند تا میان جریان آزاد اطلاعات، امنیت ملی و حقوق شهروندان تعادل ایجاد کنند (Castells, 2010). با این حال، تجربه جهانی نشان می‌دهد که اتکا به مدل‌های سنتی حکومت‌داری (صرفاً مبتنی بر کنترل و فیلترینگ) در این فضا کارآمد نیست. از این رو، بهره‌گیری از شاخص‌های «حکمرانی خوب» (نظیر حاکمیت قانون، شفافیت، مشارکت مدنی و پاسخگویی) ضروری است تا دولت‌ها بتوانند با جلب اعتماد عمومی، از پلتفرم‌های دیجیتال به عنوان ابزار دیپلماسی عمومی استفاده کرده و فرهنگ و ارزش‌های خود را به مخاطبان جهانی صادر کنند. در جمهوری اسلامی ایران، به دلیل تقابل گفتمانی با نظام سلطه، فضای مجازی اهمیتی مضاعف و استراتژیک یافته است. مقام معظم رهبری همواره این فضا را عرصه‌ای حیاتی برای دفاع از هویت اسلامی-ایرانی و میدانی برای تقابل با جنگ شناختی دشمنان توصیف کرده‌اند. ایشان با تأکید بر لزوم خروج از انفعال و دستیابی به «استقلال و اقتدار سایبری»، مسیر گذار از ره‌اشدگی فضای مجازی به سمت یک حکمرانی هوشمند و بومی را ترسیم نموده‌اند. پژوهش حاضر بر آن است تا با تکیه بر نظریه «حکمرانی خوب»، پیوند میان مدیریت فضای سایبر و تولید قدرت نرم را تبیین نموده و دلالت‌های بیانات مقام معظم رهبری را در این چارچوب علمی مورد بازخوانی و تحلیل قرار دهد.

ضرورت و اهمیت پژوهش:

ضرورت بررسی نقش حکمرانی فضای مجازی در شکل‌دهی به قدرت نرم، ناشی از تأثیرات شگرف و بی‌سابقه اینترنت بر معادلات قدرت جهانی و تغییر ماهیت تهدیدات ملی است. امروزه کشورهای توسعه‌یافته دریافته‌اند که تنظیم‌گری هوشمندانه در



فضای دیجیتال، نه تنها یک الزام برای تأمین امنیت سایبری است، بلکه کارآمدترین سلاح برای پیشبرد دیپلماسی فرهنگی و تسخیر افکار عمومی در سطح بین‌الملل به شمار می‌رود. در شرایط کنونی، ضرورت انجام این پژوهش از سه بُعد اساسی قابل تبیین است: نخست (بُعد راهبردی و امنیتی): جمهوری اسلامی ایران در کانون یک «جنگ ترکیبی و شناختی» همه‌جانبه قرار دارد که بستر اصلی آن فضای مجازی است. فقدان یک حکمرانی منسجم و کارآمد در این فضا، می‌تواند منجر به استحاله فرهنگی، کاهش سرمایه اجتماعی و در نهایت تضعیف امنیت ملی شود. از این رو، عبور از نگاه‌های صرفاً سلبی و رسیدن به یک مدل ایجابی (مبتنی بر تولید محتوای فاخر، توسعه شبکه ملی اطلاعات و تقویت پلتفرم‌های بومی) برای حفظ حاکمیت ملی و مقابله با استعمار فرانو در عصر دیجیتال یک ضرورت حیاتی است.

دوم (بُعد علمی و نظری): با وجود تأکیدات فراوان بر کلیدواژه‌هایی نظیر حکمرانی سایبری و قدرت نرم در محافل دانشگاهی ایران، همچنان یک خلأ تئوریک در پیوند زدن این مفاهیم با مدل‌های استاندارد سیاست‌گذاری دیده می‌شود. این پژوهش ضرورت دارد تا نشان دهد چگونه شاخص‌های پذیرفته‌شده در علم مدیریت دولتی (تحت عنوان حکمرانی خوب)، می‌توانند به عنوان کاتالیزوری برای تبدیل ظرفیت‌های خام دیجیتال به «قدرت ملی و بین‌المللی» عمل کنند.

سوم (بُعد کاربردی و اسنادی): مقام معظم رهبری به عنوان عالی‌ترین مقام سیاست‌گذار در جمهوری اسلامی، طی یک دهه گذشته دقیق‌ترین و جامع‌ترین فرامین را برای مدیریت فضای مجازی صادر کرده‌اند. با این حال، کمتر پژوهشی تلاش کرده است تا این فرامین و بیانات را از قالب توصیف صرف خارج کرده و آن‌ها را در ترازوی مؤلفه‌های علمی «حکمرانی خوب» (مانند کارایی، حاکمیت قانون و مشارکت مدنی) تبیین و تئوریزه کند. ضرورت دارد این تطبیق مفهومی صورت گیرد تا دستگاه‌های اجرایی بتوانند الگوی عملیاتی مشخصی برای پیاده‌سازی دغدغه‌های حاکمیتی در زیست‌بوم دیجیتال کشور به دست آورند و از این طریق، ظرفیت‌های پنهان جامعه ایرانی را در مسیر ارتقای اقتدار نرم فعال سازند.

پیشینه پژوهش:

بررسی مرور ادبیات دانشگاهی نشان می‌دهد که همگام با توسعه فناوری‌های ارتباطی، مسئله حکمرانی فضای مجازی و تأثیر آن بر اقتدار دولت‌ها به یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان داخلی تبدیل شده است. با بررسی انتقادی ادبیات موجود، می‌توان این مطالعات را در سه جریان اصلی نظری دسته‌بندی و تحلیل نمود:

جریان اول؛ نظریه‌پردازی در باب قدرت نرم و فضای سایبر: این جریان مطالعاتی، تأثیر مستقیم فضای دیجیتال را بر ساختار قدرت کشورها بررسی می‌کند. پژوهشگران و نظریه‌پردازانی نظیر «علی محمد نائینی» در مقالات و کتب متعدد خود در حوزه جنگ نرم، به کرات استدلال کرده‌اند که فضای مجازی، کانون اصلی شکل‌گیری قدرت نرم در عصر حاضر است. مطالعات منتشر شده در نشریاتی چون فصلنامه مطالعات قدرت نرم نشان می‌دهد که دیپلماسی عمومی مبتنی بر پلتفرم‌های مجازی، ابزار اعمال قدرت را از



حالت نظامی (سخت) به سمت متقاعد سازی (نرم) تغییر داده است. این جریان به خوبی اهمیت قدرت سازی فضای مجازی را تبیین کرده، اما کمتر به ارائه یک مدل «حکمرانی داخلی» برای مدیریت این فضا پرداخته است.

جریان دوم: الگوهای بومی حکمرانی فضای مجازی: دسته دوم مطالعات، بر ضرورت عبور از نگاه صرفاً سلبی و رسیدن به مدل‌های ایجابی در مدیریت فضای سایبر تمرکز دارند. شاخص‌ترین ادبیات در این بخش، متعلق به مطالعات «سعیدرضا عاملی» است. وی با طرح نظریه بنیادین «دوفضایی شدن جهان»، مفهوم «حکمرانی دوفضایی» را وارد ادبیات آکادمیک ایران کرد. بر اساس این رویکرد که در مقالات متعدد فصلنامه مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری عمومی نیز بسط داده شده است، مدل مطلوب حکمرانی سایبری در ایران نیازمند تنظیم‌گری هوشمند، مشارکت کاربران و عبور از تصدی‌گری مطلق دولتی است تا مشروعیت و کارایی نظام حکمرانی حفظ شود.

جریان سوم؛ دکرین سایبری جمهوری اسلامی و اسناد بالادستی: جریان سوم، سیاست‌های کلان این حوزه را بر اساس اسناد حاکمیتی تحلیل می‌کند. نقطه عطف این مطالعات، ارجاع پژوهشگران به «فرامین تأسیس و پیوست‌های حکم شورای عالی فضای مجازی» (مصوب ۱۳۹۰ به بعد) توسط مقام معظم رهبری است. مقالاتی که با رویکرد تحلیل گفتمان در نشریاتی نظیر مطالعات فرهنگ-ارتباطات چاپ شده‌اند، نشان می‌دهند که از منظر ایشان، فضای مجازی به اندازه انقلاب اسلامی اهمیت دارد و نیازمند مدیریت هوشمندانه و خروج از انفعال است. با این حال، بیشتر این متون در حد توصیف باقی مانده‌اند.

ترکیب مطالعات فوق نشان می‌دهد که اگرچه جامعه علمی کشور به اهمیت ارتباط میان حکمرانی سایبری و قدرت نرم پی برده است، اما همچنان یک «خلاء علمی و نظری مشخص» در این حوزه به چشم می‌خورد: اولاً، استفاده سیستماتیک از نظریه استاندارد جهانی یعنی «نظریه حکمرانی خوب» (با شاخص‌هایی نظیر شفافیت، حاکمیت قانون، پاسخگویی و مشارکت) به عنوان حلقه وصل میان مدیریت سایبری و قدرت ملی، در مطالعات پیشین مغفول مانده است.

ثانیاً، علیرغم اهمیت راهبردی بیانات رهبر معظم انقلاب در عرصه فضای مجازی، تاکنون پژوهشی انجام نشده است که دلالت‌های بیانات ایشان را از منظر مؤلفه‌های نظریه «حکمرانی خوب» بازخوانی و تحلیل نماید و نشان دهد که چگونه پیاده‌سازی این دیدگاه‌ها می‌تواند به تقویت «قدرت ملی» منجر شود. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی، دقیقاً با هدف پر کردن همین شکاف تئوریک و تبیین این ارتباط طراحی شده است.

حکمرانی خوب:

مفهوم «حکمرانی» در ادبیات علوم سیاسی و مدیریت دولتی، نشان‌دهنده گذار از مفهوم سنتی «حکومت‌داری» است؛ گذاری که در آن، دولت از جایگاه یک بازیگر مسلط، اقتدارگرا و تنها مجری سیاست‌ها، به جایگاه یک «تنظیم‌گر و هماهنگ‌کننده» تقلیل یا تغییر نقش می‌دهد. همان‌طور که در ادبیات نظری این حوزه تبیین شده است، در الگوی حکمرانی، اعمال قدرت و مدیریت منابع



جامعه صرفاً در انحصار نهادهای رسمی حاکمیتی نیست، بلکه شبکه‌ای پیچیده از تعاملات میان سه رکن اصلی، یعنی «دولت»، «بخش خصوصی» و «جامعه مدنی» شکل می‌گیرد. در این راستا، نظریه «حکمرانی خوب» به عنوان یک پارادایم هنجاری و توسعه‌گرا مطرح گردید تا کیفیت این تعاملات را تضمین کند. حکمرانی خوب فرآیندی است که در آن نهادهای عمومی در مدیریت امور و منابع عمومی، با رعایت دقیق حقوق ذی‌نفعان و به دور از فساد و سوءاستفاده عمل می‌کنند. (زهیری، ۱۴۰۲، ص ۱۰۳)

(این الگو، قدرت را نه به عنوان ابزاری برای سلطه، بلکه به عنوان ظرفیتی برای هم‌افزایی ملی و حل مسائل پیچیده عمومی بازتعریف می‌کند.

بر اساس شاخص‌های پذیرفته شده در اسناد بین‌المللی و ادبیات دانشگاهی، تحقق «حکمرانی خوب» نیازمند استقرار هشت مؤلفه بنیادین است که عبارتند از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، وفاق‌پذیری یا اجماع‌سازی، عدالت و انصاف، و کارایی و اثربخشی، (حق پناهان، ۱۴۰۰، ص ۱۳۹) استقرار این مؤلفه‌ها باعث می‌شود که تصمیم‌گیری‌های کلان در یک سیستم، از پستوهای تاریک بوروکراتیک خارج شده و در معرض نظارت عمومی قرار گیرد. به عنوان مثال، شاخص «حاکمیت قانون» تضمین می‌کند که حقوق بنیادین شهروندان حفظ شود و شاخص «مشارکت» بستر لازم را برای مداخله فعالانه آحاد جامعه در تعیین سرنوشت خود فراهم می‌آورد. برآیند و خروجی ترکیب این شاخص‌ها در یک نظام سیاسی، تولید «سرمایه اجتماعی»، افزایش اعتماد عمومی و در نهایت ایجاد «مشروعیت» است که هسته مرکزی قدرت ملی یک کشور را تشکیل می‌دهد.

امتداد یافتن نظریه «حکمرانی خوب» در اتمسفر «فضای مجازی»، به معنای پیاده‌سازی همین شاخص‌های هشت‌گانه در زیست‌بوم دیجیتال است. حکمرانی خوب فضای مجازی به این معناست که دولت‌ها به جای اتخاذ رویکردهای صرفاً سلبی، کنترلی و فیلترینگ یک‌جانبه (نگاه سستی حکومت‌داری)، به سمت ایجاد یک «پلتفرم تنظیم‌گری مشارکتی» حرکت کنند. در این فضا، شفافیت در الگوریتم‌ها و نحوه مدیریت داده‌ها، پاسخگویی پلتفرم‌ها در برابر نقض حریم خصوصی (حاکمیت قانون)، و مشارکت دادن نخبگان، شرکت‌های دانش‌بنیان و کاربران در تدوین قوانین سایبری، ارکان اصلی حکمرانی را تشکیل می‌دهند.

هنگامی که یک دولت بتواند فضای مجازی را بر اساس مدل حکمرانی خوب مدیریت کند، این فضا از یک «تهدید امنیتی» به یک «فرصت استراتژیک» تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی، اعتماد کاربران به پلتفرم‌های داخلی و خدمات بومی افزایش یافته، نخبگان در تولید محتوای فرهنگی مشارکت فعال می‌کنند و در نتیجه، فضای مجازی به قدرتمندترین موتور محرک برای بازتولید ارزش‌های هویتی و تقویت همه‌جانبه «قدرت ملی» در برابر جنگ‌های شناختی و سایبری بیگانگان تبدیل می‌گردد.

قدرت نرم:

قدرت نرم و حکمرانی فضای مجازی دو مفهوم کلیدی در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل هستند که در تعامل با یکدیگر بر نفوذ و تصویر جهانی کشورها تأثیر بسزایی دارند.



قدرت نرم (**Soft Power**) مفهومی است که توسط جوزف نای در دهه ۱۹۹۰ معرفی شد و به توانایی یک کشور برای تأثیرگذاری بر دیگران از طریق جذابیت‌ها و الهامات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اشاره دارد، بدون استفاده از زور و اجبار. این قدرت، برخلاف قدرت سخت (**Hard Power**) که از طریق ابزارهایی مانند قدرت نظامی یا اقتصادی اعمال می‌شود، به شکل غیرمستقیم بر رفتار، نگرش‌ها و تصمیمات دیگران تأثیر می‌گذارد. قدرت نرم عمدتاً از طریق فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و دیپلماسی عمومی اعمال می‌شود. به عنوان مثال، کشورها می‌توانند از راه گسترش ارزش‌های دموکراسی، حقوق بشر، محصولات فرهنگی (مانند فیلم، موسیقی و کتاب)، برنامه‌های آموزشی و علمی و رسانه‌های بین‌المللی به جذب و جلب حمایت مردم کشورهای دیگر بپردازند (Nye, 2004). جاذبه‌های فرهنگی و اعتبار سیاسی دو مؤلفه مهم قدرت نرم هستند که به کشورها کمک می‌کنند تا تصویری مثبت و قابل قبول از خود در جهان ارائه دهند و افکار عمومی را به سمت همکاری با آن‌ها سوق دهند. برای مثال، کشورهای غربی از طریق انتشار فیلم‌ها، موسیقی و ارزش‌های دموکراتیک خود به تقویت قدرت نرم خود در دیگر نقاط جهان پرداخته‌اند (Dinnie, 2008). به این ترتیب، قدرت نرم به کشورها امکان می‌دهد تا به جای استفاده از روش‌های تحمیل و اجبار، از طریق جلب و جذب دیگران، به اهداف بین‌المللی خود دست یابند و حمایت جهانی را بدون نیاز به استفاده از قدرت نظامی یا فشارهای اقتصادی به دست آورند.

حکمرانی فضای مجازی:

حکمرانی فضای مجازی به مجموعه‌ای از سیاست‌ها، مقررات و سازوکارها اشاره دارد که توسط دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای خصوصی برای مدیریت، کنترل و نظارت بر فضای دیجیتال و اینترنت وضع می‌شود. این حکمرانی شامل ابعاد مختلفی است که از امنیت سایبری و حفظ حریم خصوصی گرفته تا قوانین دسترسی و محتوای دیجیتال را در بر می‌گیرد. در عصر دیجیتال، حکمرانی فضای مجازی به عنوان ابزاری مهم برای حفاظت از امنیت ملی و نیز تعاملات بین‌المللی اهمیت یافته است (DeNardis, 2014, p. 23).

در دنیای امروز، حکمرانی موثر فضای مجازی نقش حیاتی در حفظ امنیت ملی، اقتصاد دیجیتال، و حتی قدرت نرم کشورها دارد. با گسترش حملات سایبری، انتشار اطلاعات نادرست و همچنین تهدیدات به حریم خصوصی کاربران، دولت‌ها در سطح جهانی نیازمند اتخاذ سیاست‌های دقیق و جامع برای مدیریت این فضا هستند. به طور مثال، کنترل و نظارت بر شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به دولت‌ها در مدیریت افکار عمومی و پیشگیری از تهدیدات داخلی کمک کند (Powers & Jablonski, 2015, p. 67). در عین حال، حکمرانی فضای مجازی ابزاری موثر برای دیپلماسی دیجیتال است که از طریق آن کشورها می‌توانند به ترویج ارزش‌ها، فرهنگ و تصویر مثبت خود بپردازند. این رویکرد نه تنها به تقویت قدرت نرم کشورها کمک می‌کند، بلکه می‌تواند



تأثیرات مثبتی بر روابط بین‌المللی داشته باشد (Nye, ۲۰۰۴, p. ۵۶). در ادامه مهمترین جنبه‌های حکمرانی فضای مجازی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

امنیت سایبری یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حکمرانی فضای مجازی است که به حفاظت از داده‌ها، جلوگیری از حملات سایبری و تضمین امنیت سیستم‌های دیجیتال می‌پردازد. کشورها به‌ویژه در مواجهه با تهدیدات جهانی نیازمند وضع قوانینی برای مقابله با حملات سایبری هستند (Schneier, ۲۰۱۵, p. ۴۵). حفاظت از اطلاعات کاربران و حریم خصوصی آن‌ها یکی دیگر از حوزه‌های کلیدی حکمرانی فضای مجازی است. به عنوان نمونه، مقررات حفاظت از داده‌های عمومی اتحادیه اروپا (GDPR) که در سال ۲۰۱۸ اجرایی شد، نمونه‌ای از قوانین جامع برای حفاظت از اطلاعات شخصی کاربران است (European Parliament, ۲۰۱۶, p. ۱۲).

در بسیاری از کشورها، دولت‌ها برای جلوگیری از انتشار اطلاعات نادرست و محتوای مخرب، قوانین و مقرراتی را وضع کرده‌اند. به عنوان مثال، در چین، پلتفرم‌های دیجیتال ملزم به پایبندی به مقررات خاصی در مورد محتوای منتشر شده هستند (Repnikova, ۲۰۱۸, p. ۱۱۲). دسترسی آزاد به اینترنت و بی‌طرفی شبکه نیز بخشی از حکمرانی فضای مجازی است. بی‌طرفی شبکه به معنای تضمین دسترسی یکسان به اینترنت و عدم تبعیض بین انواع داده‌ها توسط ارائه‌دهندگان اینترنت است (Marsden, ۲۰۱۷, p. ۳۴). حکمرانی فضای مجازی همچنین به دولت‌ها امکان می‌دهد از ابزارهای دیجیتال برای ترویج ارزش‌های فرهنگی و اهداف دیپلماتیک خود استفاده کنند. این نوع حکمرانی به تقویت قدرت نرم و تصویر بین‌المللی کشورها کمک می‌کند (Melissen, ۲۰۰۵, p. ۸۹).

تأثیر حکمرانی فضای مجازی بر قدرت نرم ملی

تأثیرات حکمرانی فضای مجازی بر قدرت نرم کشورها به دلیل نقش فزاینده اینترنت و پلتفرم‌های دیجیتال در تسهیل تعاملات فرهنگی و سیاسی، به یکی از ابعاد مهم دیپلماسی و سیاست خارجی تبدیل شده است. حکمرانی موثر در این فضا می‌تواند به کشورها امکان دهد که از پلتفرم‌های دیجیتال برای گسترش نفوذ فرهنگی و تقویت قدرت نرم خود بهره بگیرند. در ادامه، ابعاد مختلف این تأثیر به تفصیل شرح داده شده است.

حکمرانی فضای مجازی به کشورها این امکان را می‌دهد که از بسترهای دیجیتال برای ترویج ارزش‌های ملی و فرهنگ خود استفاده کنند. در واقع، با نظارت بر محتوای داخلی و ایجاد بسترهای بومی، دولت‌ها می‌توانند ارزش‌ها و فرهنگ خود را به مخاطبان بین‌المللی منتقل کنند. به عنوان مثال، چین با توسعه پلتفرم‌های داخلی مانند ویبو و وی‌چت و محدود کردن دسترسی به پلتفرم‌های خارجی، فرهنگ و ارزش‌های ملی خود را نه تنها به مردم داخلی، بلکه به برخی از مخاطبان بین‌المللی نیز معرفی کرده است (Repnikova, ۲۰۱۸, ص ۱۱۵). این رویکرد می‌تواند به عنوان ابزاری موثر برای تقویت قدرت نرم و کاهش تأثیر فرهنگی



کشورهای دیگر بر مردم چین عمل کند. همچنین، دیپلماسی دیجیتال به کشورها این امکان را می‌دهد که از طریق سفارتخانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی رسمی خود با مردم کشورهای دیگر ارتباط برقرار کنند و بدین وسیله ارزش‌ها و دیدگاه‌های خود را در سطح جهانی ترویج دهند. کشورهای غربی و اتحادیه اروپا از این راهبرد برای ترویج ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشری خود بهره می‌گیرند و از این طریق، قدرت نرم خود را تقویت می‌کنند (Melissen, 2005, ص 91). امنیت سایبری به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد حکمرانی فضای مجازی، نقش موثری در افزایش اعتماد عمومی به فضای دیجیتال دارد. کشورها با تقویت امنیت سایبری و حفاظت از داده‌های کاربران می‌توانند تصویری امن و قابل اطمینان از خود ارائه دهند و این اعتماد عمومی می‌تواند به افزایش اعتبار و جایگاه بین‌المللی کشور کمک کند. ایجاد فضایی امن، به ویژه در زمانه‌ای که تهدیدات سایبری به طور مداوم رو به افزایش است، برای تقویت قدرت نرم کشورها اهمیت زیادی دارد. برای مثال، مقررات حفاظت از داده‌ها در اتحادیه اروپا (GDPR) نه تنها به حفاظت از حریم خصوصی کاربران کمک کرده بلکه تصویر مثبتی از اتحادیه اروپا به عنوان مدافع حقوق کاربران ایجاد کرده است (European Parliament, 2016, ص 14). این رویکرد نشان‌دهنده تاثیر امنیت دیجیتال بر تقویت قدرت نرم و بهبود روابط بین‌المللی است.

حکمرانی فضای مجازی با تنظیم و نظارت بر محتوای دیجیتال به کشورها امکان می‌دهد که از انتشار اخبار جعلی و اطلاعات نادرست جلوگیری کنند. با افزایش اعتماد عمومی به اطلاعات منتشر شده، این رویکرد می‌تواند تصویر کشور را بهبود بخشد و کشور را به عنوان منبع اطلاعاتی معتبر معرفی کند. در دنیای دیجیتال امروزی، که اطلاعات نادرست به راحتی می‌توانند بحران‌های اجتماعی ایجاد کنند، حکمرانی قوی فضای مجازی یک دارایی مهم برای تقویت قدرت نرم است. در برخی کشورها، مانند سنگاپور، قوانین سختگیرانه‌ای برای جلوگیری از انتشار اطلاعات نادرست و شایعات دیجیتال وضع شده است، که این امر نه تنها به افزایش اعتماد عمومی کمک کرده بلکه تصویر مثبتی از سنگاپور به عنوان یک کشور منظم و متعهد به حقیقت ارائه داده است (Schneier, 2015, ص 47). دیپلماسی دیجیتال که از ابزارهای کلیدی قدرت نرم است، امکان برقراری ارتباط با مخاطبان بین‌المللی و گسترش روابط فرهنگی را فراهم می‌کند. با ایجاد ارتباطات نزدیک از طریق پلتفرم‌های آنلاین، کشورها می‌توانند روابط فرهنگی و سیاسی پایدارتری با مردم کشورهای دیگر برقرار کنند. این روابط فرهنگی به کشورها کمک می‌کند تا ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های خود را در قالب تعاملات غیررسمی و فرهنگی به اشتراک بگذارند و به افزایش قدرت نرم خود پردازند (عباسی و کریمی، 1397، ص 45). یکی دیگر از آثار حکمرانی فضای مجازی بر قدرت نرم، جذب گردشگران از طریق ارائه اطلاعات دیجیتال و تسهیل تعاملات بین‌المللی است. کشورها با ارائه اطلاعات دقیق و جذاب در مورد جاذبه‌های گردشگری، تاریخ و فرهنگ خود، می‌توانند گردشگران بیشتری را به کشور خود جذب کنند. این رویکرد در تقویت قدرت نرم کشورها و معرفی آن‌ها



به عنوان مقصدی امن و جذاب بسیار موثر است. برای نمونه، بسیاری از کشورهای اروپایی از رسانه‌های اجتماعی برای معرفی جاذبه‌های گردشگری و فرهنگی خود بهره می‌گیرند (دینی، ۱۳۹۷، ص ۴۷).

روش های تقویت قدرت ملی از طریق حکمرانی خوب در فضای مجازی:

استقرار مؤلفه‌های حکمرانی خوب در فضای مجازی به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که با استفاده بهینه از بسترهای دیجیتال، سرمایه اجتماعی و قدرت ملی خود (با تمرکز بر ابعاد نرم آن) را تقویت کنند و تصویری شفاف و کارآمد از خود به نمایش بگذارند. در ادامه به بررسی دقیق‌تر روش‌ها و ابزارهایی پرداخته می‌شود که دولت‌ها از طریق پیاده سازی شاخص‌های حکمرانی خوب در فضای سایبر، قدرت ملی خود را ارتقا می‌دهند:

• دیپلماسی عمومی دیجیتال در پرتو شفافیت و پاسخگویی

یکی از ابزارهای کلیدی برای تقویت قدرت ملی، دیپلماسی عمومی دیجیتال است که تجلی بارز شاخص‌های «شفافیت» و «پاسخگویی» در الگوی حکمرانی خوب محسوب می‌شود. دولت‌ها با ایجاد حساب‌های رسمی در شبکه‌های اجتماعی همچون توئیتر، فیسبوک، اینستاگرام و لینکدین به طور مستقیم و شفاف با مخاطبان جهانی ارتباط برقرار می‌کنند و به ترویج دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و دستاوردهای خود می‌پردازند. برای مثال، حساب‌های رسمی وزارت‌خانه‌های امور خارجه در کشورهای مختلف مانند ایالات متحده و اتحادیه اروپا با انتشار پیام‌های رسمی، اخبار و رویدادهای فرهنگی، تصویری مثبت و پاسخگو از سیاست‌های خارجی خود ارائه می‌دهند (Cull, ۲۰۰۸، ص ۳۴؛ Melissen, ۲۰۰۵، ص ۹۱). این نوع دیپلماسی، به‌ویژه برای ترویج ارزش‌هایی مانند حقوق بشر، دموکراسی و آزادی بیان بسیار موثر بوده و تصویر باثباتی از کشورهایی که این ارزش‌ها را ترویج می‌دهند، در افکار عمومی جهان ایجاد کرده و بر دامنه قدرت آن‌ها می‌افزاید (Nye, ۲۰۰۴، ص ۵۸).

• ایجاد و توسعه پلتفرم‌های بومی در راستای کارایی و حاکمیت قانون

بسیاری از کشورها با ایجاد پلتفرم‌های بومی، شاخص «کارایی و اثربخشی» و همچنین «حاکمیت قانون» را در فضای دیجیتال خود نهادینه می‌کنند تا بتوانند فرهنگ و ارزش‌های بومی خود را به نمایش بگذارند. برای مثال، چین با ایجاد شبکه‌های اجتماعی داخلی مانند وی‌چت و ویبو، نه تنها بر اجرای قانون در محتوای منتشر شده نظارت دارد، بلکه از این فضا برای ترویج ارزش‌های چینی و وفاق‌پذیری اجتماعی بهره می‌برد. این نوع حکمرانی کمک می‌کند تا کشورها بر جریان اطلاعات نظارت داشته و آن را به سوی تقویت هویت ملی و اعتبار بین‌المللی هدایت کنند (Repnikova, ۲۰۱۸، ص ۱۱۵). علاوه بر چین، روسیه نیز با ایجاد پلتفرم‌هایی مانند Yandex و VKontakte به دنبال حفظ حاکمیت سایبری خود و ترویج فرهنگ روسی است. این ابزارها نه تنها تنظیم‌گری اطلاعات را برای دولت ممکن می‌سازند، بلکه بستر امنی برای مشارکت مخاطبان داخلی فراهم می‌کنند که به نوبه خود به قدرت ملی این کشورها کمک شایانی می‌کند (Gvosdev, ۲۰۱۹، ص ۲۶).



• برندینگ ملی و ارائه محتوای دیجیتال به عنوان خروجی وفاق‌پذیری

یکی دیگر از روش‌های تقویت قدرت ملی، استفاده از برندینگ دیجیتال است. زمانی که حکمرانی خوب در یک کشور منجر به «وفاق‌پذیری» شود، دولت‌ها با تولید و انتشار محتواهایی که تصویر مثبت و جذابی از انسجام کشور ارائه می‌دهند، بهبود برند ملی خود را در دستور کار قرار می‌دهند. این محتواها شامل تصاویری از مناظر طبیعی، جاذبه‌های گردشگری و موفقیت‌های علمی است. برای مثال، بریتانیا با پوشش‌هایی مانند «Visit Britain» از شبکه‌های اجتماعی برای جذب گردشگر و نمایش فرهنگی منحصر به فرد خود استفاده می‌کند (Dinnie, 2008, ص 107). برندینگ ملی همچنین به کشورها کمک می‌کند که در فضای بین‌المللی به عنوان مقاصد فرهنگی جذاب شناخته شوند و تصویری مثبت از نوآوری اجتماعی خود ارائه دهند که مستقیماً بر اقتدار ملی آن‌ها می‌افزاید (موسوی و امیری، 1399، ص 56).

• ترویج گردشگری دیجیتال مبتنی بر عدالت و دسترسی برابر

حکمرانی هوشمند فضای مجازی با تسهیل و ارائه اطلاعات جامع در بسترهای دیجیتال، شاخص «عدالت در دسترسی به اطلاعات» را محقق کرده و به جذب گردشگران کمک می‌کند. برخی کشورها مانند فرانسه و ایتالیا از تورهای مجازی و معرفی جاذبه‌های تاریخی در شبکه‌های اجتماعی بهره می‌گیرند. این روش به ویژه در دوران پاندمی کرونا که سفرهای بین‌المللی محدود شد، محبوبیت بیشتری یافت و کشورها با ارائه تورهای آنلاین از طریق پلتفرم‌هایی مانند یوتیوب و اینستاگرام، توجه جهانیان را به سوی خود جلب کردند و ظرفیت‌های ملی خود را فعال نگه داشتند (دینی، 1397، ص 47؛ Melissen, 2005، ص 92).

• تنظیم‌گری محتوا برای مقابله با اطلاعات نادرست و صیانت از حاکمیت قانون

حکمرانی خوب فضای مجازی از طریق تنظیم‌گری مبتنی بر قانون می‌تواند از انتشار اطلاعات نادرست و اخبار جعلی جلوگیری کند. این امر که ضامن امنیت روانی جامعه است، به ویژه در مواقع بحران اهمیت دارد. کشورهای مانند سنگاپور با وضع قوانین شفاف برای کنترل محتوا پرداخته‌اند و از این طریق تصویر کشور را به عنوان مکانی قانون‌مدار، قابل اعتماد و امن به نمایش می‌گذارند (Schneier, 2015، ص 47؛ European Parliament, 2016، ص 14). در کشورهایی مانند آلمان نیز، قوانین سختگیرانه‌ای در زمینه مقابله با نفرت‌پراکنی آنلاین وضع شده است که به ایجاد محیطی امن کمک کرده و به تقویت اعتبار و مشروعیت دولت در بین جامعه جهانی منجر می‌شود (Gorwa, 2019، ص 59).

• جلب مشارکت جامعه مدنی از طریق تبلیغات دیجیتال و همکاری با اینفلوئنسرها

در الگوی حکمرانی خوب، دولت‌ها تنها بازیگر میدان نیستند، بلکه از ظرفیت «بخش خصوصی و جامعه مدنی» استفاده می‌کنند. همکاری با اینفلوئنسرهای محلی و بین‌المللی نمونه بارز این مشارکت است که به دولت‌ها امکان می‌دهد ارزش‌ها و فرهنگ خود را به شیوه‌ای جذاب‌تر معرفی کنند. به عنوان مثال، ژاپن و کره جنوبی با استفاده از اینفلوئنسرها و یوتیوبرهای



بین‌المللی به نمایش فرهنگ و هنرهای ملی خود پرداخته و قدرت ملی و نفوذ فرهنگی خود را به شدت تقویت کرده‌اند (Heng, ۲۰۱۶، ص ۲۲).

• افزایش مسئولیت‌پذیری از طریق فناوری‌های تحلیل افکار عمومی

فناوری‌های تحلیل داده به کشورها این امکان را می‌دهد که رفتار و ترجیحات کاربران فضای مجازی را تحلیل کنند. این امر مستقیماً شاخص «مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی به نیازهای جامعه» را در حکمرانی خوب ارتقا می‌دهد. با توجه به نتایج این تحلیل‌ها، دولت‌ها استراتژی‌های کلان خود را تدوین می‌کنند تا نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کرده و در راستای بهبود تصویر و قدرت کشور، سیاست‌های کارآمدتری را اجرا نمایند (Schneier, ۲۰۱۵، ص ۴۸؛ نای، ۱۳۸۳، ص ۶۱).

• گسترش دیپلماسی علمی در بستر دیجیتال برای شبکه‌سازی نخبگان

دیپلماسی علمی و آموزشی در بستر دیجیتال یکی از روش‌های موثر برای تقویت قدرت نرم کشورهاست. کشورها با ارائه بورسیه‌های تحصیلی آنلاین، دوره‌های آموزشی دیجیتال و سمینارهای مجازی، می‌توانند به جذب نخبگان و دانشجویان از سراسر دنیا بپردازند. به عنوان نمونه، دولت‌های کشورهای اروپایی از طریق برنامه‌های آموزشی در قالب دوره‌های آنلاین، نخبگان علمی را به سمت دانشگاه‌های خود جذب کرده و روابط فرهنگی و علمی با سایر کشورها را تقویت می‌کنند (European Parliament, ۲۰۱۶، ص ۱۵). این اقدام همچنین به کشورها امکان می‌دهد که فرهنگ و زبان خود را به عنوان بخشی از این دوره‌های آموزشی معرفی کنند، که می‌تواند در طولانی مدت به تقویت قدرت نرم و گسترش نفوذ فرهنگی آن‌ها منجر شود (Melissen, ۲۰۰۵، ص ۹۳).

حکمرانی خوب در فضای مجازی از دیدگاه مقام معظم رهبری:

حکمرانی فضای مجازی یکی از موضوعات استراتژیک و پر اهمیت در منظومه فکری مقام معظم رهبری است. بررسی تحلیلی بیانات ایشان نشان می‌دهد که دغدغه‌های رهبری در این حوزه، قرابت بسیار بالایی با مؤلفه‌های اساسی «نظریه حکمرانی خوب» (نظیر کارایی نهادی، حاکمیت قانون، مشارکت نخبگانی، و استقلال) دارد. ایشان در طول سال‌های گذشته، مدیریت هوشمندانه فضای مجازی را ابزاری اساسی برای دفاع از هویت ملی، صیانت از حقوق عامه و تقویت قدرت ملی جمهوری اسلامی معرفی کرده‌اند. در ادامه، محورهای اصلی بیانات ایشان در انطباق با شاخص‌های حکمرانی خوب مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

• کارایی و اثربخشی نهادی؛ اهمیت راهبردی و تأسیس شورای عالی فضای مجازی

در الگوی حکمرانی خوب، «کارایی نهادی» و پرهیز از موازی‌کاری یکی از ارکان اصلی است. رهبر معظم انقلاب با درک اهمیت استراتژیک این فضا، با صدور حکم تأسیس شورای عالی فضای مجازی در شهریور ۱۳۹۴، مأموریت این شورا را «سیاست‌گذاری، مدیریت کلان و برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های لازم و به‌هنگام و نظارت و رصد کارآمد و روزآمد در فضای



مجازی» تعیین کردند (۱۴/۰۶/۱۳۹۴، khamenei.ir). ایشان با انحلال شوراهای موازی و تأکید بر تثبیت جایگاه مرکز ملی فضای مجازی، گامی اساسی در جهت یکپارچگی و کارایی سیستم حکمرانی سایبری برداشتند. ایشان با هشدار به مسئولان در خصوص پرهیز از واگذاری یا مدیریت ضعیف این عرصه فرموده‌اند:

«فضای مجازی امروزه عرصه‌ای حیاتی برای کشور است و مسئولان باید این فضا را با برنامه‌ریزی‌های صحیح مدیریت کنند. ما نباید این فضا را به بیگانگان بسپاریم.» (بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۷)

مقام معظم رهبری فضای مجازی را به عنوان ابزار انتقال فرهنگ، ارزش‌ها و استقلال ملی معرفی کرده‌اند و بر ضرورت ایجاد زیرساخت‌های مستقل بومی تأکید دارند (موسوی، ۱۳۹۸، ص ۲۷؛ حسینی، ۱۳۹۹، ص ۵۷). این دیدگاه نشان می‌دهد که فضای مجازی در بیانات رهبری به اندازه مسائل حیاتی دیگر، اهمیت دارد و نیازمند سیاست‌گذاری دقیق و مدیریتی راهبردی است.

• حاکمیت قانون؛ صیانت از حریم خصوصی و امنیت روانی جامعه

شاخص «حاکمیت قانون» در حکمرانی خوب تأکید دارد که حقوق بنیادین شهروندان باید در برابر آسیب‌ها حفظ شود. مقام معظم رهبری در احکام و بیانات خود به شدت بر وضع قوانین بازدارنده و حمایتی تأکید دارند. ایشان در حکم انتصاب اعضای شورای عالی، بر «حفظ امنیت همه‌جانبه فضای مجازی کشور و حفظ حریم خصوصی آحاد جامعه» تأکید نموده‌اند. علاوه بر این، ایشان صیانت از افکار عمومی را معادل حقوق عامه دانسته و در خصوص مقابله با شایعه‌پراکنی می‌فرمایند:

«یکی از حقوق عامه، امنیت روانی جامعه است. استفاده از فضای مجازی برای شایعه، دروغ و هراس‌افکنی خلاف حقوق عامه است و قوه قضائیه باید وارد شود. اگر قانونی برای برخورد با این موارد وجود ندارد، سریع قانون تهیه کنید.» (فیش‌های موضوعی فضای مجازی، ۰۷/۰۴/۱۴۰۱ و ۰۶/۰۴/۱۴۰۲)

این بیانات به وضوح نشان می‌دهد که از منظر ایشان، فقدان قانون‌گذاری شفاف و برخورد اخلاقی ضعیف، نشان‌دهنده عقب‌ماندگی در حکمرانی است و باید با استقرار قانون، امنیت روانی جامعه را تضمین نمود.

• استقلال دیجیتال و توسعه شبکه ملی اطلاعات

حکمرانی پایدار نیازمند زیرساخت‌های بومی است تا دولت بتواند حاکمیت ملی خود را در فضای سایبر اعمال کند. رهبر انقلاب همواره بر تسریع در راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات به‌عنوان یک تکلیف راهبردی تأکید کرده و باور دارند که بدون حکمرانی بومی، وابستگی به فناوری‌های خارجی تهدیدی برای امنیت ملی است. ایشان در این راستا فرموده‌اند:

«نباید اجازه دهیم که فضای مجازی به شکل ولنگار و رها شده با شد. باید با ایجاد زیرساخت‌های بومی و نظارت دقیق،

فضایی را ایجاد کنیم که ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی در آن حفظ شود.» (بیانات در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۹)



رهبری بر این باورند که حکمرانی بومی می‌تواند به عنوان ابزاری برای جلوگیری از نفوذ فرهنگی غرب و حفاظت از هویت اسلامی عمل کند (نجفی، ۱۳۹۷، ص ۳۸؛ محمدی، ۱۳۹۹، ص ۴۹). ایشان تاکید دارند که با استفاده از بسترهای بومی می‌توان فضای مجازی را به نفع منافع ملی و در جهت تقویت قدرت نرم کشور هدایت کرد.

• مواجهه با جنگ شناختی و وفاق‌سازی از طریق تولید محتوا

یکی از خروجی‌های حکمرانی خوب، ایجاد «وفاق» و یکپارچگی هویتی است. رهبر معظم انقلاب فضای مجازی را عرصه‌ای پرخطر برای تهاجم فرهنگی و جنگ روانی توصیف کرده و می‌فرمایند: «امروز جنگ روانی همه‌گیر است؛ فضای مجازی و ماهواره‌ها جای قلم را گرفته‌اند.» (۱۴/۰۳/۱۴۰۱)

رهبر معظم انقلاب فضای مجازی را عرصه‌ای حساس و پرخطر می‌دانند و آن را بستری برای جنگ نرم و تهاجم فرهنگی توصیف کرده‌اند. ایشان در این خصوص فرموده‌اند: «امروز دشمنان از فضای مجازی استفاده می‌کنند تا هویت اسلامی و ایرانی ما را تضعیف کنند. ما باید با حضور هوشمندانه در این فضا، از ارزش‌های خود دفاع کنیم.» (بیانات در دیدار با جوانان، ۱۳۹۶) از نگاه ایشان، دشمنان تلاش می‌کنند با استفاده از فضای مجازی، باورها و ارزش‌های اسلامی و ملی مردم را تضعیف کنند و از این فضا به عنوان ابزاری برای جنگ نرم و تهاجم فرهنگی استفاده کنند (حسینی، ۱۳۹۹، ص ۵۹؛ رحیمی، ۱۳۹۸، ص ۵۴). رهبر انقلاب به مسئولان هشدار داده‌اند که باید با استفاده از روش‌های مدیریتی و حکمرانی دقیق، از این تهدیدات جلوگیری کنند. ایشان صراحتاً می‌فرمایند: «فضای مجازی باید محلی برای تقویت هویت دینی و ملی باشد، اما دشمنان از آن برای تضعیف همین هویت استفاده می‌کنند. ما باید با هوشیاری این فضا را مدیریت کنیم.» (بیانات در دیدار با نخبگان فرهنگی، ۱۳۹۷)

• مشارکت فعال جامعه مدنی و مسئولیت‌پذیری نخبگان

در تئوری حکمرانی خوب، «مشارکت» آحاد جامعه در فرآیندهای مدیریتی یک اصل غیرقابل انکار است. مقام معظم رهبری در مدیریت فضای مجازی، نقش ویژه‌ای برای اقشار مردم و به‌ویژه نخبگان قائل هستند. ایشان به جای واگذاری کامل امور به دولت، از دانشگاهیان و جوانان می‌خواهند که در خط مقدم این جبهه فعال باشند: «دانشجویان فضای مجازی را هدایت کنند؛ فکر و تحلیل از طرف شما به این فضا برود.» (۲۹/۰۱/۱۴۰۲)

ایشان همچنین در خصوص مسئولیت‌پذیری عمومی در برابر اخبار جعلی و جوسازی‌ها می‌فرمایند: «به جوسازی‌ها اعتنا نکنید؛ این‌ها گروه‌های فشارند.» (۰۸/۰۶/۱۴۰۲) و تأکید می‌کنند: «مسئولین باید علاج کنند، مقابله کنند؛ جوانان حقیقت را از دروغ تشخیص دهند.» (۱۱/۰۸/۱۴۰۱)

این مشارکت آگاهانه نخبگانی، تضمین‌کننده پویایی و سلامت جریان اطلاعات در نظام حکمرانی فضای مجازی است.

• آینده‌پژوهی و ارتقای قدرت سایبری از طریق فناوری‌های نوین (هوش مصنوعی)



یک نظام حکمرانی کارآمد باید نگاهی آینده‌نگرانه داشته باشد. در منظومه فکری رهبری، ارتقای قدرت سایبری ایران در سطح جهانی، مستلزم سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین است. ایشان در بند ۴ وظایف شورای عالی فضای مجازی (مصوب ۱۳۹۴)، بر ضرورت اهتمام ویژه به اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه صنایع پیشرفته سایبری تأکید داشته‌اند. این رویکرد کلان‌نشان می‌دهد که تسلط بر فناوری‌های نوظهوری نظیر هوش مصنوعی و پردازش داده‌ها، بخش جدایی‌ناپذیری از استراتژی جمهوری اسلامی برای عبور از حکمرانی سنتی و رسیدن به اقتدار سایبری در عرصه بین‌الملل است.

نتیجه‌گیری:

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش حکمرانی فضای مجازی در شکل‌دهی و ارتقای قدرت نرم دولت‌ها، با تمرکز ویژه بر بازخوانی دلالت‌های بیانات مقام معظم رهبری در چارچوب نظریه «حکمرانی خوب» به انجام رسید. بررسی و تحلیل متون نظری و اسناد بالادستی نشان می‌دهد که در عصر ارتباطات شبکه‌ای، فضای مجازی از یک ابزار صرفاً فناورانه خارج شده و به کانون اصلی رقابت دولت‌ها برای تولید، حفظ و گسترش «قدرت ملی» در ابعاد نرم تبدیل شده است. در این گذار پارادایمی، اتکا به شیوه‌های سنتی حکومت‌داری (مبتنی بر کنترل یک‌جانبه و سلبی) دیگر پاسخگویی پیچیدگی‌های فضای سایبر نیست؛ بلکه استقرار شاخص‌های «حکمرانی خوب» (شامل شفافیت، حاکمیت قانون، مشارکت، کارایی و پاسخگویی) یگانه مسیر تبدیل فضای مجازی از یک تهدید بالقوه امنیتی به یک فرصت استراتژیک ملی است. یافته‌های این پژوهش در سه محور اساسی قابل جمع‌بندی است: نخست؛ پیوند ساختاری حکمرانی خوب با تولید قدرت نرم در فضای سایبر:

تحلیل‌ها نشان داد که پیاده‌سازی شاخص‌های حکمرانی خوب مستقیماً به تولید سرمایه اجتماعی و ارتقای اعتبار بین‌المللی یک کشور می‌انجامد. دولت‌ها با اتخاذ رویکرد «تنظیم‌گری مشارکتی» و ایجاد شفافیت در پلتفرم‌های دیجیتال، اعتماد عمومی را جلب می‌کنند. این حکمرانی قاعده‌مند، بستر لازم را برای توسعه دیپلماسی عمومی دیجیتال، برندینگ ملی، شبکه‌سازی نخبگانی و مقابله با جریان‌های اطلاعاتی نادرست فراهم می‌آورد. همان‌گونه که تجربه کشورهای موفق در این عرصه نشان می‌دهد، اتکا به زیرساخت‌های بومی در کنار وضع قوانین حمایت‌گرانه (همچون حفظ حریم خصوصی کاربران)، علاوه بر صیانت از حاکمیت ملی، موجب صدور مؤثرتر ارزش‌های فرهنگی و ایدئولوژیک به خارج از مرزها بدون استفاده از ابزارهای اجبارآمیز (قدرت سخت) می‌گردد.

دوم؛ انطباق هوشمندانه دکترین سایبری مقام معظم رهبری با شاخص‌های جهانی حکمرانی خوب:

مهم‌ترین دستاورد نظری این مقاله، پر کردن شکاف تئوریک موجود در ادبیات دانشگاهی از طریق خوانش بیانات رهبر معظم انقلاب از منظر شاخص‌های حکمرانی خوب بود. نتایج نشان می‌دهد که دغدغه‌ها و فرمان‌های ایشان، نه یک نگاه صرفاً محدودکننده، بلکه یک مدل جامع، پیشرو و ایجابی از حکمرانی است: در بُعد کارایی و اثربخشی نهادی: تأسیس نهاد فراقوه‌ای



«شورای عالی فضای مجازی» و تأکید بر تمرکز در سیاست‌گذاری و پرهیز از موازی‌کاری، دقیقاً منطبق بر شاخص کارایی در سیستم‌های مدیریتی مدرن است. در بُعد حاکمیت قانون و عدالت: تأکید مؤکد ایشان بر جرم‌انگاری شایعه‌پراکنی و لزوم ورود قوه قضائیه برای حفظ «امنیت روانی جامعه و حقوق عامه»، نشان‌دهنده اهمیت استقرار قانون به عنوان چتر حمایتی شهروندان در زیست‌بوم دیجیتال است. در بُعد استقلال نهادی: پیگیری مستمر برای تحقق «شبکه ملی اطلاعات»، ترجمان عملی استقلال دیجیتال است که بدون آن، اعمال حاکمیت و پیاده‌سازی هرگونه مدل حکمرانی غیرممکن خواهد بود. در بُعد مشارکت و وفاق‌پذیری: رویکرد ایشان مبنی بر دعوت از دانشجویان، نخبگان و جوانان برای حضور فعال، هوشمندانه و تهاجمی در تولید محتوا و روشننگری (مقابله با جنگ شناختی)، تجلی بارز شاخص «مشارکت مدنی» در تئوری حکمرانی خوب است که مانع از تصدی‌گری مطلق دولتی می‌شود.

سوم؛ ضرورت آینده‌پژوهی و گذار به اقتصاد دانش‌بنیان سایبری:

بررسی بیانات رهبری نشان داد که دستیابی به اقتدار سایبری در سطح بین‌الملل، نیازمند توأمان نگاه پدافندی (مقابله با تهاجم فرهنگی) و نگاه آفندی و ایجابی (ترویج معارف انقلاب اسلامی) است. این امر محقق نخواهد شد مگر با سرمایه‌گذاری استراتژیک بر روی فناوری‌های نوظهور نظیر هوش مصنوعی و اقتصاد دیجیتال.

بر اساس یافته‌های فوق، پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاران عرصه فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران، عبور از نگاه‌های بخشی و مقطعی را در دستور کار قرار دهند. تسریع در تکمیل زنجیره شبکه ملی اطلاعات به عنوان بستر اصلی حکمرانی، تدوین و تصویب فوری قوانین شفاف در حوزه صیانت از داده‌ها و امنیت روانی کاربران جهت تحقق حاکمیت قانون، و ایجاد سازوکارهای تشویقی برای مشارکت حداکثری بخش خصوصی و نخبگان در تولید محتوای فاخر و پلتفرم‌های کاربردی، از ضروریات انکارناپذیر است.

در نهایت، حکمرانی فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران زمانی می‌تواند به عنوان قدرتمندترین موتور محرک قدرت نرم ایفای نقش کند که تمامی ارکان حاکمیت، با تاسی به نقشه راه ترسیم‌شده توسط مقام معظم رهبری، فضای سایبر را نه به عنوان یک بخش حاشیه‌ای، بلکه به عنوان «میدان اصلی بسط قدرت و هویت ملی» پذیرفته و شاخص‌های حکمرانی خوب را در تار و پود سیاست‌گذاری‌های این عرصه نهادینه سازند.



فهرست منابع؛

- ۱) افشار، علی. (۱۳۹۹). "نقش مدیریت فضای مجازی در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی." نشریه پژوهش‌های اجتماعی، ص ۵۲-۵۳.
- ۲) حسینی، مهدی. (۱۳۹۹). "تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در خصوص مدیریت فضای مجازی." فصلنامه مطالعات استراتژیک، ص ۵۶-۵۹.
- ۳) دینی، کیوان. (۱۳۹۷). نشریه پژوهش‌های فرهنگی و ارتباطات، ص ۴۷.
- ۴) رحیمی، علی. (۱۳۹۸). "بررسی جنگ نرم در فضای مجازی با تاکید بر بیانات رهبری." نشریه پژوهش‌های امنیتی، ص ۵۳-۵۵.
- ۵) رضایی، محسن. (۱۳۹۸). "راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی در فضای مجازی." مجله فرهنگ اسلامی، ص ۲۴.
- ۶) رضایی، محسن؛ علوی، زهرا. (۱۳۹۶). مجله امنیت ملی، ص ۸۸.
- ۷) عباسی، مهدی؛ کریمی، فاطمه. (۱۳۹۷). فصلنامه پژوهش‌های دیپلماسی عمومی، ص ۴۵.
- ۸) کریمی، سعید. (۱۴۰۰). "تحلیل سیاست‌های فرهنگی در بیانات مقام معظم رهبری." فصلنامه فرهنگ و سیاست، ص ۶۵.
- ۹) محمدی، علی. (۱۳۹۹). "قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی در بیانات مقام معظم رهبری." فصلنامه دیپلماسی عمومی، ص ۴۸-۵۰.
- ۱۰) موسوی، احمد. (۱۳۹۸). "حکمرانی فضای مجازی و قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران." مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ص ۲۷-۲۸.
- ۱۱) موسوی، زهرا؛ امیری، حسین. (۱۳۹۹). فصلنامه فرهنگ و سیاست، ص ۵۶.
- ۱۲) نای، جوزف. (۱۳۸۳). قدرت نرم: ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی. ترجمه: حسین اردکانی، نشر سروش، ص ۶۱.
- ۱۳) نجفی، زهرا. (۱۳۹۷). "فضای مجازی و تهاجم فرهنگی؛ رویکردی بر اساس نظرات مقام معظم رهبری." مجله اندیشه انقلاب، ص ۳۶-۳۹.
- ۱۴) زهیری، معصومه (۱۴۰۲). نقش حکمرانی خوب و قدرت نرم در دیپلماسی آب با کشور افغانستان، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ص ۱۰۱-۱۲۱.
- ۱۵) حق پناهان، حمیدرضا، کریمی، حامد (۱۴۰۰). رابطه بین حکمرانی خوب و صیانت از سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مولفه های قدرت نرم با نگاهی به قانون اساسی ج.ا.ا، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ص ۱۳۷-۱۶۸.

۱. Boyd, D., & Ellison, N. B. (۲۰۰۷). **Social Network Sites: Definition, History, and Scholarship.** *Journal of Computer-Mediated Communication*, ۱۳(۱), ۲۳۰-۲۱۰.
۲. Castells, M. (۲۰۱۰). **The Rise of the Network Society.** Oxford: Wiley-Blackwell.
۳. Cull, N. J. (۲۰۰۸). **Public Diplomacy: Taxonomies and Histories.** *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, ۶۱۶(۱), ۵۴-۳۱.
۴. Deibert, R. J. (۲۰۱۹). **The Road to Digital Unfreedom: Three Painful Truths About Social Media.** *Journal of Democracy*, ۳۰(۱), p. ۶۲.
۵. DeNardis, L. (۲۰۱۴). **The Global War for Internet Governance.** Yale University Press, p. ۲۳.
۶. Dinnie, K. (۲۰۰۸). **Nation Branding: Concepts, Issues, Practice.** Oxford: Butterworth-Heinemann.
۷. European Parliament. (۲۰۱۶). **General Data Protection Regulation**, pp. ۱۵-۱۴.
۸. Gienow-Hecht, J. C., & Donfried, M. C. (۲۰۱۰). **Searching for a Cultural Diplomacy.** Berghahn Books.
۹. Gorwa, R. (۲۰۱۹). **The Platform Governance Triangle: Conceptualizing the Role of Policy, Firms, and Users in the Regulation of Digital Media.** *Internet Policy Review*, ۸(۲), p. ۵۹.
۱۰. Gvosdev, N. K. (۲۰۱۹). **Russian Influence and Power in Eastern Europe.** Routledge, p. ۲۶.
۱۱. Heng, Y. K. (۲۰۱۶). **Media Influence and Soft Power in Politics.** Routledge, p. ۲۲.



۱۲. Kurlantzick, J. (۲۰۰۷). **Charm Offensive: How China's Soft Power Is Transforming the World.** Yale University Press
۱۳. Lee, G. (۲۰۰۹). **A Theory of Soft Power and Korea's Soft Power Strategy.** Korea Observer.
۱۴. Marsden, C. T. (۲۰۱۷). **Net Neutrality: Towards a Co-regulatory Solution.** Bloomsbury Publishing, p. ۳۴
۱۵. Melissen, J. (۲۰۰۵). **The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations.** Palgrave Macmillan.
۱۶. Nye, J. S. (۱۹۹۰). **Bound to Lead: The Changing Nature of American Power.** Basic Books.
۱۷. Nye, J. S. (۲۰۰۴). **Soft Power: The Means to Success in World Politics.** New York: PublicAffairs.
۱۸. Powers, S., & Jablonski, M. (۲۰۱۵). **The Real Cyber War: The Political Economy of Internet Freedom.** University of Illinois Press, p. ۶۷
۱۹. Repnikova, M. (۲۰۱۸). **Media Politics in China: Improvising Power Under Authoritarianism.** Cambridge University Press, p. ۱۱۵
۲۰. Schneier, B. (۲۰۱۵). **Data and Goliath: The Hidden Battles to Collect Your Data and Control Your World.** W.W. Norton & Company, pp. ۴۸-۴۷